

عبدالرحیم بردسیری بود (بردرس از بلوک کرمانست) مادرش صبیحه مرحوم میرزا کاظم بن میرزا محمد نقی مظفرعلیشاه است.

تولدش در سنه (۱۲۲۰) هجری واقع شده در کرمان مشغول تحصیل بود ادیب کاملی شد در علوم ریاضی و طبیعی بهره وافق برد و از حکم الهی نصیب کافی بدست آورد زبان فارسی و ترکی را بخوبی میدانست زبان فرانسه و انگلیسی را بناموخت در سنه (۱۳۰۲) از تعدی و ظلم ناصرالدوله سلطان عبدالحمید میرزا هجرت کرده باصفهان رفت و چندی شاهزاده ظل السلطان مسعود میرزا او را نگاهداشت و میخواست که همواره مصاحب خودش بدارد میرزا آقاخان سر بنوگری فرود نیاورده

روانه طهران شد و پس از چندی بمصاحبت شیخ احمد روحی کرمانی باسلامبول رفته زمانی در اداره اختر خدمت بمالم معارف مینمود و در آن صفحات مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی مشهور بافتان را ملاقات کرده جاذب و مجذوب شدند.

(ذره ذره کاندربین ارض و سماست

حنس خود را همچو کلاه و کهریاست)

و همت در پنداری ابرائیان کردند لیلاً و نهاراً همتشان مصروف نجات دادن ایرانیان بود از قید رقبت و عبودیت سلاطین مسیبه اوابع و خطابات زیاد نوشته و بااران میفرستادند و اغلب از نالیقات و منذآت میرزا آقاخان بود و مقاصد خود را در ضمن کتب تواریخ ورهان و اشعار نوشته منتشر میکردند اتحاد دول اسلامی را مدعی بودند و تأسیس قانون



مرحوم میرزا آقاخان کرمانی  
قبل از مسافرت بخارج ایران کرمان

اسلامی را خواهان و دربرکندن ریشه استبداد مجدد و در زایل کردن رسوم ظالمانه مجتهد بودند و از تألیفات میرزا آقاخانست تاریخی تری موسوم بآینه سکندری و دیگری نظمی موسوم بنامه باستان که در سنه (۱۳۱۳) در محبس طرابزون تألیف کرده چنانچه خود گوید :

ز تاریخ هجرت پس از یک هزار	چه بر سیصد و سیزده شد شمار
ز شعبان گذشته همی روزه	مطابق به آغاز اسپند مه
که پایان شد این نامبردار گنج	به یکماه بر دم در اینکار رنج
سیاسم ز یزدان بیروز گر	که این نامه نامی آمد بسر
غرض بود تاریخ نی شاعری	که طبع من از شعر باشد عری
بویزه که بودم بیند اندرون	چه لطف آید از طبع بندی برون

بالجمله تاریخ نظمی مرحوم آقاخان را فرمانفرما سالار لشکر در سنه ۱۳۱۵ فرمود بعض اشعار آنرا که در آن ابام نامناسب بود برداشته و از ظهور اسلام تا جلوس مظفرالدین شاه شیخ احمد ادیب کرمانی بر وزن و سبک جلد اول بنظم کرده سالاریه نام نهاد و بطبع رسانیده نگارنده آنچه از آن کتاب برداشته اند بدست آورده بعض اشعار آنرا که سائق غیرتست در فصل آخر مقدمه مینگارد و نثری آنرا علاء الملک بطبع رسانده و در طبع آن زحمت و مخارج گزافی را بر خود گرفته و مرحوم میرزا جهانگیر خان مدبر صور اسرافیل در تصحیح نسخه آن خیلی رنج برده و در واقع میتوان گفت علاء الملک جبران نسبتی را که باومیدادند نمود و روح آن مرحوم را ساد و از خود راضی نمود . از قرار مسوع اسباب گرفتاری ایشانرا در اسلامبول علاء الملک فراهم آورد و بسططان عثمانی سلطان عبدالحمیدخان عرضه داشت شورش آرامنه که در سنه (۱۳۱۲) در اسلامبول روی داد بتحریک سید جمال الدین و میرزا حسنخان خبیرالملک جنرال گونسل دولت علیه ایران و میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی است بعلاوه بواسطه مکاتیب و نوسجات در ابران هم بعض فسه ها کرده اند و دور نیست در ابران هم حادثه اتفاق افتد و از سید سندی دست بیامد لکن بعض نوستجات میرزا حسن خان و میرزا آقاخان و خط شیخ احمد روحی بدست آمد اندا این سه نفر را بطرابزون فرستاده در آنجا حبس کردند ناماه ذی القعدة (۱۳۱۳) که ناصرالدین شاه به بر میرزا رضای کرمانی مقبول شد بار سفیر ابران جلوه داد میرزا رضا بتحریک اینها بود که مر نکب این امر شده است .

حون مظفرالدین شاه بطهران آمد و بتحت نشست این سه نفر را از طرابزون بنیر بزا آوردند و در تبریز بامر ولعهد محمد علی میرزا در سنه (۱۳۱۴) بقبل رسانیدند چنانکه در ذیل حالت شرح احمد روحی ذکر شده است .

حاج شیخ احمد روحی سر دوم مرحوم شیخ العلماء آخوند ملامحمد جعفر کرمانی طاب نراه در مجاری سنه (۱۲۷۲) هجری در بلده کرمان منولد گردیده صاحب معالی صفات و محاسن اخلاق بود طبع شعر نیز داشت و روحی نخلص مینمود علوم عربیه و مقداری از مبادی علم فقه و اصول و حدیب را در کرمان خدمت والد خود تحصیل نمود و صاحب قدس و زهد و خیر خواه عامه و طرف توجه و قبول اهالی گردید حسنی در مسجد میدان قلعه و مسجد میرزا جبار کرمان امامت

جماعت مینمود در منبر و موعظه یدی طولاً داشت در مجاری سنه (۱۴۰۲) از کرمان با مرحوم میرزا

آقاخان معروف بطرف اصفهان مسافرت نموده شاهزاده ظل السلطان خواست از آنها نگاهداری کند حضرات قبول نکردند چنانکه سابقاً ذکر شد لذا از اصفهان بطهران مسافرت نمودند شیخ احمد روحی چندی در طهران مشغول بتدریس تفسیر قرآن شده از طهران با میرزا آقاخان برشت رفتند مؤیدالدوله والی رشت چندی از ایشان پذیرائی کرده و چون دانست حضرات در دربار ناصرالدین شاه متهم میباشند اندیشه کرده عذر ایشان را خواست بعلیه اسلامبول رفتند و در آنجا حاج شیخ احمد زبان فرانسه و انگلیسی و ترکی اسلامبولی را تحصیل و تکمیل نمود چندی در اسلامبول مشغول تعلیم السنه مزبور و فارسی بود و چندین نسخه از کتب و رسائل رمان و علوم انگلیسی و فرانسه را ترجمه بفارسی نمود بعد از آن از اسلامبول



### شیخ احمد روحی

عزیمت بیت الله را نمود بعد از مراجعت از مکه معظمه مدتی در حلب اقامت داشت بعد از مدتی اقامت در حلب بزم دیدن میرزا آقاخان با اسلامبول عودت نمود در ایندقمه حاج میرزا حسن خان خیرالملك جنرال گونسل دولت علیه ایران که از جمله اهل فضل و هنر و مدتی از خدمت دولت ایران مستعفی و بسمت ضیافت خاصه سلطنتی مقیم بود ثالث ثلثه آنها شده این سه نفر جداً بهوا خواهی و همراهی سید جمال الدین اسدآبادی در مقام دعوت اتحاد اسلامی برخواسته مراسلات و مکاتبات عدیده بعلماء و اشراف عامه بلاد ایران نوشته آنها را دعوت باتحاد اسلامی نموده حتی آنکه حاج شیخ احمد روحی سجع مهری کننده بود باین عبارات (داعی اتحاد اسلام احمد روحی آمده نامم) و معلومست این مطلب تاچه درجه مزاحم درباریان دولت ایرانست خاصه بآن قبایح و ذماتمبیکه از میرزا علی اصغر خان امین السلطان در جزو مراسلات خود مینمودند امین السلطان جداً در صدد گرفتاری و اذیت آنها برآمده سفارشاتى در اینباب بمیرزا محمود خان علاء الملك که آنوقت در اسلامبول سفیر کبیر ایران بود نوشت و علاء الملك بمأموریت خود عمل نموده تا در مجاری سنه (۱۴۱۲) از طرف بابعالی حکم بطرد

و تبعید میرزا آقاخان و حاج شیخ احمد و میرزا حسنخان خیرالملک از اسلامبول به طرابزون صادر شد آنها را بطرابزون تبعید نموده در آنجا تحت الحفظ بودند. در این اثنا که حضرات در محبس طرابزون بودند میرزا رضای کرمانی از اسلامبول باشیخ ابوالقاسم برادر شیخ احمد روحی تذکره گرفته مرور و باشیورت دوتقری گرفته بلکه میرزا رضا خود شراست نوکری شیخ ابوالقاسم معرفی کرده بطرف ایران آمده در طرابزون ملاقات کرده و در آنجا معاهدات خود را نموده بطرف ایران آمده تا باطوم باشیخ ابوالقاسم همراه از آنجا از هم سوا شده شیخ ابوالقاسم بطرف کرمان و میرزا رضا بطهران آمده ناصرالدین شاه را کشت از علاءالملک مؤاخذه کردند که چرا باشیورت بمیرزا رضا دادی جواب داد من او را نشناختم من باشیورت بشیخ ابوالقاسم دادم که برادر شیخ احمد روحی است و میرزا رضا نام نوکر او بود باری بتوسط سفیر مزبور شکایت از طرف دولت ایران بیابعالی از حضرات شده آنها را قاتل ناصرالدین شاه معرفی کردند و فرستادن آنها را بطرف ایران از بیابعالی خواستند سفیر علاءالملک هم بعنوان دوستی این تمنارا بلباس رسمانه در آورد تا اینکه مأمورین دولت عثمانی آنها را تحت الحفظ تا سرحد آورده از طرف ایران هم رستم خان سرتیپ سواره از تبریز با عده از سواران ابوابجمعی خودش آنها را تا سرحد استقبال کرده از مأمورین عثمانی گرفته بتبریز آورد در عمارت دولتی حبس کردند از میرزا صالح خان وزیر اکرم که آن اوقات از اجزاء ایالت آذربایجان بود نقل کرده اند که حضرات در محبس با کمال قدس و زهد همیشه مشغول عبادت و تلاوت قرآن بودند خاصه شیخ احمد روحی که اغلب اوقات بصوت حسن تلاوت قرآن میکرد و صوتش خیلی جذایت داشت بنوعیکه تمام خلوتیها در اطاق محبس جمع شده گوش بتلاوت قرآن او میدادند و اغلب گریه میکردند باری هنوز میرزا رضا که قاتل اصلی ناصرالدین شاه بود بملاحظه احترام ماه محرم و صفر در طهران زنده بود که امین السلطان حکم قتل آنانرا صادر نمود و چون مرحوم میرزا علیخان امین الدوله مأمور و پیشکار آذربایجان شد بملاحظه اینکه مبادا آنها را از کشتن نجات دهد لذا تعجیل در قتل آنها کرد و در عصر ششم ماه صفر (۱۳۱۴) در باغ شمال محمدعلی میرزا ولیعهد خودش با میرغضب بر بالین آنها آمده نخست شروع باستنطاق آنها کرده هر چه پرسید جواب صریح و صحیح باو دادند عاقبت عاجز شد بنای رذالت و بد گوئی را گذارده که شما بابی و قاتل شاه شهید هستید چون حاج شیخ احمد حدت مزاج داشت و صفرای او غالب بود فحش زیادی در جواب او داد بنوعیکه نوکرهای او از خجالت از پشت سر او فرار کردند آنوقت خود حاج شیخ احمد میرغضب را بطرف خویش دعوت نمود که زود باش اول مرا آسوده کن همینکه میرغضب نزد او آمد میرزا آقاخان دامان میرغضب را گرفته او را قسم داد که اول مرا بکش او را رها کرده نزد میرزا آقاخان آمده حاج میرزا حسن خان خیرالملک دامان او را گرفته و او را قسم داد که اول مرا بکش مدتی میرغضب در میان آنها سرگردان بود تا عاقبت اول حاج شیخ روحی را و بعد میرزا آقاخان و آخر میرزا حسنخان را بقتل رسانید و بموجب حکم امین السلطان سرهای آنها را پوست کنده و در آنها آرد کرده بطهران نزد او فرستادند و سیعلم الدین ظلمو ای منقلب ینقلبون .

بنده نگارنده از جناب علاءالملک میرزا محمودخان بطریق استعلام سؤالاتی نموده که از آنجمله

گرفتاری حضرات بود در جواب مذکور داشت که وقتیکه من سفارت اسلامبول رفتم این سه نفر طرف سوءظن دولت ایران واقع شده بودند از جهت کاغذهاییکه بعلماء عتبات و ایران نوشته بودند که اتحاد اسلامی را استعدا کرده بودند و من کاغذی نوشتم بعنوان میرزا علی اصغر خان امین السلطان و در آن کاغذ نوشته بودم فوائد این اتحاد راجع بایران خواهد بود و نیز در آن کاغذ مطالبی را نوشته بودم که اگر آن نوشته من بامین السلطان رسیده بود دیگر خطری برای آنها نبود برادر شیخ احمد کاغذ مرا گرفت عوض آنکه بفرستد بایران نزد صدراعظم داده بود صدراعظم عثمانی که مصدق و شاهد بیگناهی برادرش گردد و تا يك اندازه باعث اتهام من هم شد و صدراعظم عثمانی از من رنجش حاصل نمود اما در امور سید جمال الدین میرزا علی اصغر خان صدراعظم اصرار غریبی داشت و از طرف دولت ایران اعدام سید را مستعدی و ملتسم بود و من هم سعی خود را درباره سید نمودم و آنچه در قوه داشتم بفعل آوردم لکن بجهاتی که در حالات سید ذکر میشود متمرثر نگردید.

و از اساتیدم مرحوم حجة الاسلام شیخ ابو جعفر فقیه کرمانی بود که تکمیل فقه و اصول را در خدمت آن مرحوم نمودم و در حوزه درس آن مرحوم طرف توجه ایشان بودم و مکرر بنده را مخاطب داشته میفرمودند در این درس را بدان که آنچه در اینجا برایت حاصل میشود خلاصه و نتیجه زحمات اساتید است که گمان ندارم جای دیگر بتوانی تحصیل کنی و الحق حق و صدق بود. شرح حال آن بزرگوار از این قرار است والدش مرحوم حاج آقا احمد فقیه کرمانی ولادتش در سنه (۱۲۵۸) واقع شده و در حجر پدرش تربیت شده و چنانچه شایسته بود شد و والد مؤلف نقل کرد که در او ان صبی هیچگاه فراغت نداشت و قبل از بلوغ بعبادت و زهدات معروف بود و هم از جوانی بوقار و سکینه حرکت میکرد تا سن آنجناب به بیست و یک رسید در خدمت پدر بیکه معظمه و عتبات عالیات مشرف شد و پس از مراجعت از پدر مجاز شد و بحکم (شبان وادی این گهی رسد براد که چند گاه بجان خدمت شعیب کند)

ایشانرا امر بمسافرت و درك فیوضات خدمت اساتید فرمود از کرمان باصفهان سفر کرد و از مرحوم حاج شیخ محمد باقر و بعضی از علماء مجاز شده بعتبات سفر فرمود که درك صحبت علماء عتبات را بفرماید والد ماجدشان امر بمراجعت باصفهان و ملازمت مرحوم حاج سید اسدالله و مرحوم حاج سید محمد شمشعانی و آقامیر محمد هاشم چارسوئی فرمود و بایشان فرموده بود مقصود من اجازه گرفتن از علماء نیست بلکه باید مدتی در اصفهان توقف کرد و با این سه بزرگوار معاشرت نمود کسب اخلاق از این سه نفر بنمائید و همین قسم که فرموده بودند هر کس آن سه نفر عالم بزرگوار را دیده بود و مرحوم استاد را ملاقات کرده بود میدید زهد و تقوی و فقه مرحوم حاج سید اسدالله دقت و کنجکاوی در اصول و اجتهاد در جزئیات حتی امور معاشیه مرحوم حاج سید محمد شمشعانی و ادب و حسن معاشرت و بزرگ منشی مرحوم آقا میر محمد هاشم در ایشان هویدا بود بالاخره در سنه (۱۲۸۷) مراجعت بوطن فرمود و بدرس و قضاوت روزگار خود را بسر آورد تا معرم (۱۳۱۴) که بدرود زندگانی فرمود. دوست و دشمن بزهد و تقوی ایشان متفق بودند در احکام و نوشتجات ایشان کسی نسبت سهوی هم بایشان نداد رحمة الله علیه.

در مرحله (بیست و هشتم) زندگانی مطابق سنه (۱۳۰۸) عزم بر مسافرت جزم شد از حجة الاسلام استادی العلامة اجازت مسافرت خواسته و با ایشان مشاورت نموده فرمود گمان ندارم در اصفهان و جای دیگر از بلاد ایران بر معلومات تو افزوده شود بهتر اینست بعتبات عالیات سفر

کنی و بسامراه توفیق نمائی که امروز مرکز علم است و منبع فضل و مهبط رجال از علماء است و محط رجال فقها و بالجمله روانه شدم و بر چیزیکه زیاد متأسف بودم فرقت ابوین و دوری احباب بود ( یقولون ان الموت صعب و اما مفارقة الاحباب بالله اصعب ) و از میانه دوستان و همصحبتان دوری جناب آقای حبی برادر مرحوم استاد بیشتر بود که ده سال فزون ایلاً و نهاراً با من انیس و جلس بود رفیق حجره و همخواه گلستان بودیم و بهترین ایام زندگانی ما همان ایام بود که با هم زندگانی داشتیم مختصر شرح حال زندگانی از این قرار است :

والد ماجدش مرحوم حاج آقا احمد فقیه کرمانی بود تولدش در ربیع الاول سنه ( ۱۲۸۷ ) و چون از مکاتیب ابتدائی فارغ شد برای تحصیل مقدمات عربی از جانب حاج شیخ ابو جعفر برادر والا گهرش باین بنده سپرده شد و ده سال فزون پیوسته با هم بودیم تا سطح شرح لمعه و قوانین را تا قبل از مسافرت من دید و از ادبیات و ریاضیات بهره کافی بدست آورد و از تاریخ و هیأت و جغرافیا نصیبی واقعی برد چون من سفر کردم بواسطه ازدواج نتوانست سفر کند بضرورت مفارقت بین ما واقع شد و از این رهگذر هفده سال دلتنگ بودم تا سنه ( ۱۳۲۵ ) که بسمت وکالت مجلس مقدس ملی از جانب کرمانیان منتخب شد و در ربیع الاول این سنه با برادرش شمس الحکماء که هم من ایشان و همدرس و هم شغل در وکالت وارد دایره اخلاقه شدند و در روز ورودشان احترام فوق العاده از ایشان بعمل آمد و استقبال خوبی از ایشان کردند و همواره برآستی و درستی خدمت کرد و مورد هیچگونه ایرادی واقع نشدند با اینکه کلی ضرر جانی و مالی را متحمل شدند و هیچگاه اظهار شکایت نکردند و بنهایت عفت و پادامنی در طهران بسر بردند و در ایام فترت و تعطیل مجلس نیز متوقف و منتظر فرج و هم اکنون چشم بوجود ایشان روشن و دلم گلشن و از آثار ایشان تاریخ هفت هزار سال که از ظهور آدم ابوالبشر تا سنه ( ۱۳۲۷ ) وقایع معظمه را فهرست نموده از ظهور انبیاء و حکما و علماء و عرفاء و جلوس سلاطین و اختراعات عمده و غیره و تاریخ کرمان و جغرافیای آن سامان و کتابهای کوچک در هیئت و جغرافیا که مشاهده نمودم .

بالاخره در محرم ( ۱۳۰۹ ) از شهر کرمان هجرت کرده چون میل داشتم قدری هم تحصیل حکمت الهی کرده باشم بطهران آمدم و بدرس مرحوم میرزای جلوه حاضر شده ولی استفاده کامل در حوزه درس مرحوم آقا سید شهاب الدین شیرازی نمودم و حاضر درس مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی و مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی نیز میشدم و از هر دو بزرگوار فواید کلی بردم .

### ( در بیان واقعه رژی )

در سنه ( ۱۳۰۹ ) کمپانی رژی امتیاز دخانیات را از ناصرالدین شاه گرفت که بیع و شرای دخانیات منحصر بیک اداره باشد و بعوض چند کرورشاه و درباریها داد و بهمه بلاد ایران گماشتگان فرستاد و اداره خود را دایر نمود حتی در قری و دهات کس فرستاد و ب مردم سخت گرفتند بزرگان ایران از علماء و غیرهم بر معایب و وخامت این عمل واقف شدند که امروز دخانیات محدود شد فردا نمک و روز دیگر هیزم و ذغال و آب و غیره و بازای آن مبالغی گرفته خواهد شد و صرف آبادی مملکت نخواهد شد یا تفاوت مواجب فلان شاهزاده است یا مدد معاش فلان آقا زاده یا خرج مسافرت فرنگ یا نیاز خانم قشنگ ملت متضرر شده است نفع را خارجه برده و بر مملکت هم مسلط و نفوذ تامی حاصل خواهند کرد جمعی

از عقلاء خدمت مرحوم حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی رسیده معایب متضمنه و مستتره در این کار را هر ضمه داشتند و هم بعلما اصفهان ضرر و عاقبت امتیاز و نتایج مترتبه بر آنرا نوشتند لذا مرحوم میرزای آشتیانی حکم بحرمت استعمال دخانیات کرده و حکمی باین عبارت نوشتند و نسبت آنرا به مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا حسن شیرازی دادند و منتشر ساختند .

### ( صورت حکم بحرمت دخانیات )

**بسم الله الرحمن الرحيم - اليوم استعمال تباکو و توتون بای نحو کان در حکم مجاریبه با امام زمانست عجل الله فرجه .**

قبل از انتشار شرح را به حجة الاسلام حاجی میرزا محمد حسن شیرازی که در سامراء متوقف و رئیس امامیه بودند نوشتند ایشان هم امضاء فرمودند و خوب ایستادگی فرمود بالجمله در تمام بلاد ایران این حکم منتشر شد و همه اطاعت کردند ترك استعمال دخانیات نمودند چون حال بدین منوال شد حکمیانی بتوسط قوام الدوله و وزیر امور خارجه شکایت بناصرالدینشاه برد شاه عبدالله خان والی را خدمت میرزای آشتیانی فرستاد که یا باید درملاء عام غلیان بکشید و یا از ایران خارج شوید مرحوم میرزا شق اخیراً قبول فرمود و عازم بحرکت شد که اهالی طهران ازاعلی و ادنی زن و مرد سیاه و سفید غریب و خودی بومی و شهری حر و مملوک از صغیر و کبیر بهیجان آمده زلزله در ارکان شهر افتاد و همه ناله کنان و فریاد زنان و اشریعتا گویان بهر طرف در حرکت و دورخانه میرزا طواف کنان بودند و بفاصله یکساعت تمام دکانین و سراها بسته و تعطیل عمومی شد .

راستی شور ملی را چه اثر است بخاطر دارم که در آن هنگامه چون ابر بهاری گریان بودم و سبب آن گریه را تا کنون ندانسته ام باری مرحوم آقا سید محمد رضای مجتهد طباطبائی با فامیل خود و مرحوم آقا سید علی اکبر مجتهد تفرشی و سایر علماء اطراف جناب میرزا را گرفته هنگامه برپا شد مجدداً میرزا عیسی وزیر و عبدالله خان والی و مجد الدوله خدمت جناب حجة الاسلام میرزای آشتیانی رسیده عرض کردند شاه فرموده است امتیاز داخله ایران را موقوف کردیم که در داخله ایران اهالی آزاد باشند و بیع و شری منحصر نباشد لکن امتیاز خارجه با کم نیست حالا از صرافت و ضدیت با دولت منصرف شوید و درملاء عام غلیان بکشید جناب حجة الاسلام فرمود خلاف حکم را نمیتوان نمود و شق عصای مسلمانان را نمینمایم عبدالله خان والی در مقام اجراء حکم شاه بر آمده و گفت حتماً باید غلیان بکشید که یک دفعه مرحوم آقا سید محمد رضای طباطبائی از حالت طبیعی خارج شد و بنای بد گفتن را گذاشت که شاه . . . . . و تونایب السلطنه غلط کردید دور شو ای ملعون از مجلس مسلمانان الخ . مردم که این تغیر آقا را دیده بهیجان آمدند مجد الدوله از مجلس حرکت کرد که فرار کند او را بمیان گرفتند نزدیک بود کار او را یکسره نمایند که حاج علی اکبر بروجردی که همه وقت در بی بهانه و مستمسکی بود که با مجد الدوله دوستی مخصوص داشته باشد و خدمتی باو بنماید مستمسک دست او آمد فوراً دست مجد الدوله را گرفت که الآن ما باهم میرویم به ارك و این امر را به اصلاح میگدرانیم مجد الدوله که برای خود نجات را فوری میدانست تصدیق حاج علی اکبر را نمود و دست هم را گرفته از خانه حجة الاسلام خارج و بطرف ارك

در سپار شدند جمعی از مردم هم با حاج علی اکبر و مجدالدوله برآمده که نتیجه را بدانند نزدیک به دروازه ارك که رسیدند نایب السلطنه کامران میرزا با جمعی از اهل نظام بمجدالدوله برخورد و چون حاج علی اکبر را با او دید بنای تشدد و تغییر را گذارد و عده از مردم که مسبوق بمطلب نبودند در مقام حمایت از حاج علی اکبر برآمده میاهو و فریاد کنان بطرف نایب السلطنه و حاج علی اکبر جمع شده نایب السلطنه که اینحال را دید وارد ارك شده و حکم داد که درب ارك را ببندند مستحقظین و قراولان ارك در مقام ممانعت مردم درآمده مردم بازاری چون منع را دیدند حریص تر شدند هجوم آورده که وارد ارك شوند آقا بالا خان معین نظام که این اواخر سردار اقحمی ملقب شده چون حال را بدینمنوال دید حکم داد سرباز شلیک نماید سرباز اطاعت او را ننمود که در این اثنا يك دسته از فوج مخصوص او رسید بآنها حکم شلیک داد آنها هم بدون ملاحظه اطاعت او را نموده بطرف هوا شلیک نمودند چند نفر از آنها تفنگها را بطرف مردم گرفته شلیک نمودند گروهی از مردم ببطرف و بیچاره بخاك هلاك افتاده هدف تیر اغراض آنها شدند باقی مردم فرار نمودند دولتیها درهای ارك را بستند و نعلهارا در ارك پنهان کردند جز چند نفر که در حال فرار در خارج ارك افتادند آنها را ملت برداشته آمدند در بخانه مرحوم میرزای آشتیانی هيجان مردم زیادتر شد و جمعیت بیشتر. زنهای اندرون ناصرالدینشاه هم بنای گریه و زاری را گذارده دیگر از ترس جان خود گریه میکردند، یا شور ملی آنها را بگریه انداخته بود شنیدم یکی از کنیزهای اندرون بیحد گریه میکرد است ناصرالدینشاه باو بر میخورد میگوید اینحکم از حجة الاسلام میرزای شیرازی نیست والا من اطاعت آنرا می کردم آن کنیز عرض کرده بود این صدای تفنگ که بطرف سادات و علماء خالی شده است آیا میشنوید شاه گفت این تیرهارا بهوا خالی میکنند که در این بین نایب السلطنه رسید و واقعه را عرض کرد ناصرالدینشاه جناب عضد الملك و مرحوم میرزا عیسی وزیر طهرانرا خدمت مرحوم میرزا فرستاد که از حرکت و مسافرت منصرف شوید مجلسی در دربار منعقد کنید عقلاء ملت باوزراء دولت در اصلاح این امر مشاورت نمایند مردم متفرق شدند روز دیگر بازارها باز شد و مجلس دربار منعقد گردید پس از مذاکرات بسیار در چند مجلس و بد گفتن آقا سید علی اکبر تفرشی بقوام الدوله بلکه بطور کنایه بشاه نتیجه این شد که امتیاز مرتفع باشد و شش کرو در خسارت کمبانی را دولت قبول کرد و این اول قرضی بود که دولت ایران بخارجه مدیون شد اگرچه این خسارت بایران وارد آمد نکن در عوض ملت ایران بخود آمده و اندکی رو بیداری کرده چه از این ارتفاع امتیاز رژی ملت ایران دانست که میشود در مقابل سلطنت ایستاد و حقوق خود را مطالبه کرد و دیگر معلوم شد که با این اختلاف مذهبی بین ملت ایران ممکن است همگی در امری متفق شوند چنانکه از انتشار حکم مزبور در همه بلدان ایران عموم مردم بهر مذهبی که بودند متفق شده غلیان و چپوق و سیگار را ترك کردند مردم بدست خود غلیانها را شکسته و بسیاری از تنباکو ها را آتش زدند شنیدم در کرمان از مرحوم حاج محمدخان رئیس شیخیه تکلیف را استعلام کرده بودند در جواب گفته بود ما با متشرعه در فروع اختلاف داریم در امور سیاسی البته اطاعت حکم را بنمائید و اول خودش غلیانرا ترك نمود و نیز در طهران در بعض سفارتخانهها اجزاء مسلمان از خدمات دخانی امتناع کرده و معذور هم شدند حتی آنکه از قرار مذکور کلفتها و خدمه اندرون ناصرالدینشاه



دست بغلیان و سایر دخانیات نمی‌رسانیدند .

از علماء طهران آقا سید عبدالله بهبهانی تبعیت میرزای آشتیانی را ننمود که اولاً من مقلد نیستم و مجتهدم و ثانیاً این صورت حکم که نسبت به جناب میرزای شیرازی می‌دهند حکم است یا فتوی اگر حکم است که باید بین مدعی و مدعی علیه و در مقام تراض باشد و اگر فتوی است که باید کلیت داشته باشد و فتوا نسبت بمقلدین لازم العمل است نه نسبت بمجتهد باری جنابش با حضرات همراهی نفرمود . مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی هم در مجالس مذاکره حاضر نشد لکن پیغام داد من استعمال دخانیات را مطلقاً حرام میدانم مخصوص بوقتی دون وقتی نیست و اگر بنای آقایان بر حرکت از طهران و مهاجرت به اعتبار شد اول کسیکه ردا بردوش کند و با پای پیاده مهاجرت نماید من میباشم بنده نگارنده در مجلس مرحوم حاج شیخ هادی بودم که این مذاکره را فرمود از یازده مکاتیب و تلگرافاتی که در امر تنباکو بین اولیای امور مکاتبه و مخایره شده است و ما بدست آوردیم بسیاری از نکات و دقائق استنباط میشود و ما بدون ملاحظه ترتیب نخست مکاتیب سپس تلگرافات را درج مینمائیم نوشتجاتیکه از طرف ناصرالدینشاه صادر شده است اکثر آنها بخط خود ناصرالدینشاه نوشته شده است .

## دستخط اعلیحضرت ناصرالدین شاه بحضرت مستطاب

### حجة الاسلام میرزای آشتیانی

جنابا بعضی احکام بود خواستم با یک نفر زبانی برای شما پیغام بدهم دیدم مفصل بود بهتر دانستم بنویسم و بعد از آنکه این دستخط را ملاحظه کردید جواب عرض نموده و همین دستخط را پس بفرستید بحضور .

در فقره عمل دخانیات هیچکس عقل کل نیست و احاطه کلی در بشریت منحصر است بوجود پاك پیغمبر ما علیه السلام والصلوة انسان گاهی يك خیالی و کاری میکند بالاخره از آن پشیمان میشود در همین عمل دخانیات مدتی بود که من میخواستم انحصار داخله را از کمپانی فرنگی سلب نمایم و جناب امین السلطان دستور العملها داده بودم که کم کم با فرنگیها حرف زده طوری بکند که هم عمل داخله انجام بگیرد و هم آنها نتوانند ایرادی بگیرند و از دولت خسارات عمده مطالبه کنند و مردم هم آسوده از این مداخله داخله فرنگیان که الحق مضر بود شوند مشغول و در تدارک بودیم که این انتشار حکم میرزای شیرازی در اصفهان یا جملاً یا حقیقهً بروز کرد و کم کم بطهران رسید و شما که علماء عاقل بزرگ هستید بدون اطلاع دادن بدولت بدهن خواص و عوام انداختید که غلیانرا ترك نمائید و ایتهمه قال و مقال و اسباب بی نظمی را دریای تغت فراهم آورده آیا بهتر نبود که متفقاً یا تنها هر یضه میگردید در دفع عمل ما هم که در تدارک بودیم بدون این های هو و ترك غلیان همینطور که بانجام رسید احکام صادر میشد بعد از آن از جاجرود به جناب امین السلطان و نایب السلطنه حکم شد مجلسی از علماء و وزراء فراهم بیاورند سؤال شود که خلاف شریعت در این قرارنامه در کجاست بنمائید تارفع شود مجلس اول همه حاضر شدند بجز شما که تمارض کرده بودید جهة و معنی اینرا نفهمیدم مجلسی که بحکم

ما شما را برای همچو کاری احضار بکنند و حاضر نشوید مجلس دیگر که حاضر شدید بعض عبارات گفته بودند که هیچ زبطنی بعمل نوشته نداشت مثلاً بانك و راه آهن و غیره را عنوان کرده بودند ، بعد از آن عرایض حسابی شما در باب دخانیات بما رسید آن بود که حکم فرمودیم جناب امین السلطان بشما قول بدهد که موقوف خواهد شد در داخله کتباً و تلگرافاً اظهار تشکر و مسرت عامه بعرض رسید مگر از شما ، معنی اینرا هم نفهیدم که یعنی چه و عمل صحیح بقاعده با احتراز از فساد و فتنه آن بود که بعد از موقوفی عمل دخانیات فوراً شما میرفتید در مسجد و منبر بمردم مرحمت و التفات ما را اعلان میکردید و هم استعمال دخانیات را فوراً تجویز میکردید چرا که بقول ملاها مانع مفقود و مقتضی موجود بود آن سببی که تنباکو را حرام کرده بود رفع و تمام شده چرا اینکار را نکردید سبب و جهتش را هیچ نفهیدم و مثل اینستکه ابداً دولت در موقوفی اینکار اقدام نکرده باشد اینطور قرارداد نبود بکنید بعوام کالانعام یعنی چه آیا عوام قریبی بنظر شما رسیده یا مسند خود را میخواهید باین واسطه رونقی بدهید و باز هم در مجالس و محافل خودتان درعوض تحسین و تمجید برضد دولت و اولیای دولت حرف میزنید یعنی چه من شما را آدم فقیر و شخصی ملای بیغرض و دولتخواه میدانستم حالا برضد آن میبینم که اقتباس بمجتهد تبریز و آقای نجفی اصفهانی و غیره میکنید آیا نمی دانید که کسی نمیتواند برضد دولت برخیزد آیا نمیدانید که اگر خدا نکرده دولت نباشد یکتفر از شماها را همان بایبهای طهران تنها گردن میزنند آیا نمیدانید که اگر دولت نباشد زن و بیچه شماها هر کدام بدست قزاق روسی و عسکر عثمانی و قشون انگلیس و افغان و ترکمان خواهد افتاد حیف از شما است یا علم و عقلیکه دارید عقل خود را بدست چند نفر طلاب و اراذل و اجامر محله و شهر بدهید و بسیل آنها حرکت کنید خلاصه چون خیلی لازم بود معرمانه این دستخط را شما نوشتیم دیگر خود دانید يك دفعه نصیحت لازمست و عجب خدمتی بملت و مردم می کنید هر کس هم که تریاک کش نبود محالاً چیوق تریاک میکشد غلیان چرس را عجب رواجی دادید مرد که بیجهت غلیانرا ترک نمیکند لابد است برود یا تریاک بکشد یا چرس یا هر نجاستی که گیرش بیاید سر غلیان بگذارد بکشد و دیوانه شود ناخوش شود بمیرد حقیقه خیلی اسباب استسقاء شده والسلام .

### جواب دستخط از طرف حضرت حجة الاسلام میرزای آشتیانی

بشرف عرض اقدس اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه میرساند - دعا گو سابقاً عازم بود که عریضه بحضور مبارک عرض نماید که هم حاکی از تشکر مراحم ملوکانه نسبت بعموم رعایا و دعا گو بیان خاصه برسلسله جلیله علماء که رؤسای دین و ملت و حله شریعت و بواسطه همین مزیت شایسته مزید مکرمت و مرحمت باشد وهم اشعار بر برخی عرایض صادقانه و دولتخواهی بیغرضانه که انکشاف صدقش از ملاحظه سطور و فقراتش بعین مرحمت و مکرمت ظاهر و پیدا و گمان راستی و استقامت و خلوص از ابتناء وی بمصالح عامه ملت و دولت و قوام مملکت و دوام سلطنت روشن و هویداست داشته باشد لکن با احتمال آنکه اطاله اش شاید موجب ملالت خاطر عاظر بندگان اعلیحضرت گردد یا خدا نخواسته محمول بقرض و بدین واسطه تقض غرض گردد تکاهل نموده و تساهل و رزیده تر کش را اولی و انسب دانستم

تادیشب گذشته که بزیارت دستخط مبارکی که فقراتش مبنی بر کمال بی‌مرحمتی و سلب مراسم ملوکانه و عواطف خسروانه و منتج عکس امنیه و آمال و خلاف خدمات و دولت‌خواهی‌ها بود مشرف شده لازم بل متعتم دانسته که درصدد رفع بعضی از شبهات که شاید ناشی از عرایض بعضی از مضرضین هدیه‌م‌الله الی صراط‌المستقیم باشد بر آییم که خاطر‌ها طربندگان اعلی‌حضرت همایونی را آسوده و فارغ و بی‌مرحمتی مبدل بکمال مرحمت و انشاءالله مشمول مراسم کامله ملوکانه و مکارم شامله خسروانه شوم. لذا بشرف عرض بندگان اعلی‌حضرت همایونی میرساند که حالت خلوص و دعاگوئی کلیه دعاگویان خاصه دعاگو نسبت بسططان اسلام مدالله اخلاالله علی رؤس الخواص والعوام برتبه ایست که گوش از بیان و تحدیدش کرواصم و لسان از توصیفش الکن و ابکمست و بنابراین مطلب گذشته از آنکه از مستقلات عقليه بل از فطریات اولیه است نفوس مطلوب حضرت احدیت عز‌اسمه و منظور حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله‌علیه و آله وسلم است چه سلطان اسلام حامی دین‌مبین و حافظ شریعت سید المرسلین و استقرار دولت و دوام سلطنتش موجب بقای امن و امان که اعظم نعمای الهیه است می‌باشد و بالضروره نفس مبارکش مورد مراسم الهیه و مشمول حفظ و تأیید مکارم غیبیه خواهد بود و با اینمطلب چگونه میشود که تساهل در امثال امر احضار شود و بدون عذر عقلی تمارض نموده و معتذر شده متقاعد از شرفیابی گردد با آنکه خود استدعای مجلس اجتماع را نموده و سبب حضور سایر علماء شده و معلومست که مقتضای اتحاد دولت و ملت و خلوص مغرط بدعاگوئی و دولت‌خواهی صمیمی که شهدالله و کفی به شهیدها مشوب بهیچگونه از اغراض فاسده عاطله و خیالات کاسده باطله نیست آنست که اگر مطلبی را ببیند که خالی از صلاح دولت و ملت بل موجب فساد انتظام امور مملکت و سلطنتست با حسن‌الوجوه دفع و بداعی حفظ نفس نفیس سلطنت که اعزّ نفوس است مهما ممکن متقاعد از رفعمش نشوند و از این قبیل است عرایض صادقانه جناب مستطاب حجة الاسلام آقای میرزای شیرازی سلمه‌الله تم در خصوص امتیازدخانیات و مداخله خارجه در داخله مملکت ایران و دعاگو و سایر دعاگویان که کرازاً تلگرافاً بمرض حضور مبارک رسانیده و مفاسد این امر را مشروحاً نصب‌العین اولیای دولت قوی شوکت نموده که موجب اخلاص نظام امر مملکت و رفته رفته سبب عدم استقلال سلطنت و علی الانصاف هادم اساس دین‌مبین و مافی‌عرض از خدمات و ابتلاء آت حضرت خاتم‌النیین صلی‌الله‌علیه و آله و بعثت انبیاء و مرسلین است و چون مدت متمادی از زمان عرض عریضه گذشت و بزیارت جوایبکه حاکی از رفع کلیه این بلیه کبری و مفسده عظمی که ناشی از سوء تدبیر اولیای دولت قوی شوکت است باشد مشرف نگردیدند چنین گمان کردند که شاید اولیای دولت مساهله در عرض و ایصال عرایض کرده و مفاسد این امر را اغفال نموده باشند و یا بواسطه تنجز امتیاز و استیلای کمیانی ممتاز سلب قدرت از رفعمش شده متسکن از اصلاحش نباشند تأملات و افکار نموده بل انتصار از اولیای دین‌مبین نموده و بوجهی که نه موجب کشف خلاف کلمه دولت و نه سبب شق عصای کلمه رعیت باشد طریقی را انتخاب و انتخاب فرموده و مردم را از استعمال تنباکو و توتون منع نموده که بدون ترتب مفسده بالاضطرار موجب انصراف شود قهراً رفع مینماید و سایر علماء هم یا انشاء بواسطه رفع این مفسده مؤبده و یا اقتداء این طریق را احسن‌الوجوه و اقرب‌الطرق دانسته موافقت و متابعت نمودند و چون رفع این مفسده بجز رفع

کلی امتیاز از خارجه و داخله متصور و تبعیض مؤثر نبود و اظهار این مطلب از دعا گو در مجلس احضار شاید محمول بر بعضی اقراض فاسده باشد و مورد افکار میشد لذا دعا گو هم بواسطه عدم مخالفت با علماء و قبح شق عصا و مصلحت بینی ایشان صلاح چنین دیده که بجناب آقای معظم سلمه الله تم تلگراف و مطلب را علی ما هو الواقع اعلان دارند و قبل از ملاحظه جواب چون رافعی از برای حکم سابق نبود و مانع بالکلیه رفع نشده همان حکم را محمول داشته اجرا نمایند بواسطه آنکه تحریم استعمال دخانیات از ایشان بوده و لابد حکم تحلیلش هم باید مستند بایشان باشد اولیاء دولت مطلب را علی ما هو الحق تلگراف نکرده و آقای معظم را از کیفیت و حقیقت مطلب اعلام ننمودند بل مجمل و سر بسته بتمام اطراف بلاد ممالک محروسه اعلان و تلگراف نمودند که حسب الامر امتیاز برداشته شد و علماء سایر بلدان هم باعتقاد آنکه رفع بلیه بالکلیه شد عرایض متشکرانه عرض نمودند .

بالمآل که عمأقرب معلوم شود و کشف خلاف گردد بالکلیه از مراحم ملوکانه مأیوس و دیگر اعتمادی از برای ایشان بل عموم رعیت نسبت باولیای دولت نخواهد ماند و در مسئله بانگ و راه آهن و غیره که عرض کرده اند دعا گو طرف بوده و دستخط فرموده اند مطالبی بربط بوده خلاف عرض شده بواسطه آنکه در مسئله بانگ بهیچوجه گفتگوئی نشد و از راه آهن بهمین قدر عنوان شد که مفاسد این امتیازات هم بسیار است و منجمله آنست که فرنگیان بعد از آنکه قضای حاجتشان شود بقانون و زاکون خود هم عمل نخواهند کرد بل بمیل خود سلوک خواهند نمود مثل آنکه ملک رعیت را خراب میکنند و عوض نداده از طریق عبور مینمایند و اما سایر مسائل مثل دعوت کشیش نصاری مسلمین را بدین عیسوی و ترغیب نمودن بکتاب و قول و تألیف لسانی باین مناسبت گفتگو شد که وزراء اظهار نمودند که هم سلطنت همواره بر ترویج و تشیید ملت بوده دعا گو تصدیق نموده لکن اظهار داشتیم که اولیای دولت تفصیر دارند که اینگونه از مفاسد را که موجب هدم اساس دینست بحضور مبارک عرضه نیندارند و بالجمله داعی گمانم این بود که در ازای این دولت خواهیها و زحمات قاطبه علماء مورد مراحم و بیشتر از بیشتر مشمول مکارم و عواطف ملوکانه شوند حال که معلوم میشود بقول شاعر عرب

( ما کل ما یتمنی المرء یدرکه  
تجری الریاح بمالاتشهی السفن )

نتیجه بر عکس داده و برخلاف معمول نمر بخشیده و خاطر عاطر مبارک از دعا گو رنجیده تر شده بل حسن خدمت و نیکوئی تدبیر علماء بلدان هم از قبیل مجتهد تبریزی (۱) و آقای نجفی اصفهانی سلمه الله تم که همیشه خیر خواه دولت بوده اند بسوء تدبیر بنظر انور رسیده که دعا گو را هم قیاس بآنها نموده و دستخط فرموده اند که تبعیت اجامر و او باش میکنی و این مطلب یا معمول بعوام فریبی و یا بواسطه رونق دادن مسند است و بسیار عجب دارم ازین بی مرحمتی شدید ملوکانه که تصور خیال فساد در حق دعا گو شود و بتبعیت عوام و جهال و حب مسند منتسب گردد با آنکه فقره اولی کاشف از یعلقی و نابخردی و سنگیت با جهال و او باش و العیاذ بالله ته منه است چه تبعیت عاقل از جاهل نامعقول و پیرویش در نظر عقلاء مردود و غیر معقولست و فقره ثانیه حاکی از ضعف و بطلان مستند است بملاحظه امتتالش بدعا گو زیرا که مسند شرح مبین را رونق از خاتم النبیین و مروّجش بحمد الله تعالی نفس نفیس بندگان اعلی حضرت است گذشته از آنکه دعا گو در این بلد مسندی نمی بینم و جز دعا گوئی و تدریس غرض و اشتغالی

(۱) مراد مرحوم حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزیست .

ندارم و بعضی از بی رحمتیهای دیگر که خود را در دعا گوئی شایسته و مستحق آن نمیدانم که مذاکره کنم و فی الحقیقه خیلی مایوس از مراحم ملوکانه شدم که تقریباً بعد از پنجاه سال زحمت و خدمت در ملت و دعا گوئی دوام دولت و سلطنت با خلوص عقیدت در نظر انور همایونی مقدار يك قاضی سنی و کشیش ارمنی را در نظر سلطان روم و سلاطین عیسوی نداشته باشم با آنکه شاید مشهور جمله از اهل علم باشد که اگر تمدن و توقف و توطئه در عراق عرب کرده بود در حوزه علمی اسلام منحصر و معروف بشخص اول بودم انصاف آنست که در این مملکت خیلی ترقی کردم و بعد از زحمات بسیار و دعا گوئی خالصانه بیشمار مقصد بخرج رفته و بکیفر آن مورد بی رحمتی و الطاف ملوکانه شدم گمان ندارم که در هیچ دولتی جزای چون من دعا گوی دولت خواهی را که سر تا پا وجودش دعا گوئی دولت و همواره بر صلاح امر مملکت و تشیید ملت است بدینگونه دهند باری هر چه آن خسرو کند شیرین بود. اگر فی الحقیقه بعد از ملاحظه صدق عرایض و حسن مقال باز هم شایبه خلاف واقعی العیاذ بالله در عرایضم رود و خاطر مبارک از غبار کدورت و گرد کدورت صافی و پاک نشود و مع ذلك دعا گورای مفسد در انتظام امور مملکتی بدانند با امتنان و تشکر از مراحم ملوکانه استدعای مرخصی دارم که معجلاً باندازه خود در تدارک هجرت از این مملکت بر آیم و بیکی از زوایای مقدسه عقبات عالیات مشرف شده این دوروزه عمر را که فی الحقیقه کالعدم است بدعا گوئی مشغول بر وجود مفسد در این مملکت مفسده مترتب نشود بواسطه آنکه دعا گو نه در این مملکت ضیاع و عقاری دارد و نه بحمد الله تعالی بعلائق دنیویه علاقه بیشماری اما امیدوارم که انشاء الله صدق عرایض گفتارم بر بندگان اعلی حضرت همایونی یوشیده و مستور نماید و ملاحظه صلاح امر مملکت و سلطنت و بقای ملت و تشکر و دعا گوئی کلیه رعیت را فرموده این بلیه عظیمه را بهمت علیای ملوکانه بالکلیه رفع فرموده در ترویج شریعت و علماء که اخمس دعا گویند بدل جد و جهد خسروانه نمایند تا یأس رعایا و دعا گوینان از مراحم ملوکانه مبدل بامیدواری و رجاء و بدعا گوئی ذات خجسته صفات مبارک اعلی حضرت شاهنشاه ججاء اسلامیان پناه مشغول شوند الامر الاقدس الاعلی مطاع.

## دستخط اعلی حضرت ناصر الدین شاه در جواب

### مکتوب جوانیه مرحوم میرزای آشتیانی

جنابا - عریضه شما را ملاحظه کردم اولاً این دستخط محرمانه بود و احدی نمیدانست اگر بدنوشتم یا خوب ثالثی نمیدانند و نخواهد دانست ثانیاً از کثرت اوقات تنگی و اینکه بعد از اینهمه زحمت و مرارت کار را باین پایه با کمپانی خارجه تمام کرده و باین خوبی انجام داده ایم چرا باید مثل شما علمای بزرگ بمردم نادان عوام اینطور اهتمامات و مراحم ما را حالی نکنند که مردم آسوده شده بی کار خود بروند مگر شوخی بود که بعد از دادن همچو قرارنامه بفرنگی و آنهمه مخارجیکه او کرده است باین سهولت از عمل خود دست بردارد و برود بی کارش در فقره تجارت خارجه هم ابداً ضرری بر رعیت و تجار ما ندارد و نخواهد داشت و اینحرف مفصل است باید يك نفر از اولیای دولت بشما حالی نماید و اینها موافق عهدنامههای قدیم حق تجارت دارند کار تازه نیست در حقیقت تمام آن قراری که با کمپانی دخانیات در داخله ایران داده بودیم تماماً باطل و نسخ شد اینکار را بیش از این نباید

دنيا كرد و البته شما در روی منبر و مجلس درس باید بتمام مردم حالی بکنید که اینکار تمام شده و گذشته است بر شما فرض است که هر چه زودتر بیه حال بکنید غلیان نمیکشند نکشند اما بدانند که دیگر برای احدی مجبوریت باقی نمانده است و همه آزاد هستند در بیع و شری و اختیار مال خودشانرا دارند و کمال امیدواری و تشکر را از دولت داشته باشند که رفع همچو کار بزرگ را کرده است حالی کردن این فقره بمردم عوام باشما است که شاگرد دعا گو باشند شما میدانید که من همیشه احترام علماء را لازم میدانم بخصوص در حق شما يك مرحمت قلبی داشته و داریم البته کمال اطمینانرا از التفات باطنی ما داشته باشید و ابدأ حالت یأس از آن نداشته باشید زیاد زحمتی نیست جواب را عرض بکنید.

## جواب دستخط مزبور از طرف حجة الاسلام آشتیانی اعلی الله مقامه

بشرف عرض اقدس بندگان اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه حجه اسلامیان یناه ابدالله دولت میرساند که دعا گو مایوس از مر احم ملوکانه نشده و نیستم و چون دستخط مبارک سابقه مشعر بر بعضی بی مرحمتها بود که کمال تنافی با قرط دعا گوئی و خلوص دعا گو داشت به داعی طمع از دیداد مرحمت و اشتداد مرحمت و مودت و مکرمت بعریضه سابقه جسارت ورزیدم و اما در خصوص امر به تشکر عموم علماء و دعا گو رعایا از مر احم ملوکانه و مذاکره دعا گو در مجلس درس و غیره که دستخط مبارک صدور یافته گذشته از آنکه در مجلس احضار بلیه مرفوعه و مفسده ممنوعه را اول المتشکرین بودم در امثال امر حاضر و تشکر مر احم ملوکانه را در مجلس درس و غیره نموده کثرت مرحمت و شدت زحمت و مشقت بندگان اعلی حضرت همایونیرا در خصوص اصلاح فی الجملة عمل دخانیات و تقاعد کمپانی و امثال امر همایونی نصب العین خاص و عام خواهد شد که انشاء الله کمافی السابق بلکه بیشتر از پیشتر رجا به مر احم ملوکانه حاصل شده با حسن الوجوه عموم رعیت اشتغال بدعا گوئی و مشقت دوام دولت داشته باشند لکن مسئله غلیان را همانطور که اعلی حضرت قدر قدرت همایونی دستخط فرموده اند نباید متعرض شد که بر امر شرب و استعمالش جز ترتب مفسده ثمره مترتب نخواهد شد و تا مشاهده حکم تجویز و تحلیل از آقای حجة الاسلام شیرازی سلمه الله تعالی نکنند مرتدع نخواهند گردید دعا گو هم محض امثال امر قدر قدرت اگر رأی مبارک تعلق گیرد رقعه بجناب آقای معظم عرض نماید که مشتمل بر تشکر از مر احم ملوکانه باشد و محتوی بر عدم اصلاح بالکلیه لکن محرمانه - الامر الاقدس الاعلی مطاع .

## صورت مکتوب میرزای آشتیانی مرحوم باعلی حضرت ناصر الدین شاه

بشرف عرض اعلی میرساند - که انزجار و وحشت قلوب رعیت از این مسئله و تصرف خارجه در داخله بمرتبه ایست که گمان ندارم بغیر عدم تصرف کلی و رفع اصلی و عود بصورت اولی آسوده خاطر و امیدوار شوند بلکه شاید تکذیب دعا گو را نمایند خاصه با وضع حالیه کمپانی و اشتغال تام بلوازم امتیاز بجز سخت گیری در امر توتون و تنباکو که سابقاً مینمود و بجبر و عنف از تجار مأخوذ میداشته

از قبیل صنعت و اعمال گروانکه و غیره که از لوازم تصرف در داخله است و عدم علم باسترداد و ملاحظه قراردادنامه نسبت به عامه رعیت و اختصاصش ببعضی از اولیای دولت شایسته آنستکه بملاحظه جنب قلوب رعیت و امیدواری بمراحم ملوکانه مقرر فرمایند که عجاله کمپانی از تصرفات متعلقه بداخله که سبب استیحاş رعیت و اهل ملتست ممنوع و قراردادنامه که استرداد شده مشهود نظرخاص و عام گردد الامرالاقنس الاعلی مطاع .

استفتاء از حضرت آیه الله میرزای شیرازی اعلی الله مقامه

که در باب غلیان شده است

حیجة الاسلاما متع الله المسلمین بطول بقائکم صورت سؤال وجوابی بتفصیل ذیل منسوب بجناب عالی شیوع یافته مستدعی آنکه اگر صحیح است بخط مبارک تصریحاً مرقوم فرمائید و بر تقدیر صحت هر گاه این عمل امتیاز برداشته شد اینحکم باقیست یا خیر .

صورت سؤال از حیجة الاسلام

ادام الله ظلکم العالی یا این وضعی که در بلاد اسلام از بابت عمل تنبا کویش آمده فعلا کشیدن غلیان شرعاً چه صورت دارد تکلیف مسلمانان چیست مستدعی آنکه تکلیف مسلمانان را مشخص فرمائید .

**جواب** - بسم الله الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه یا امام زمان عجل الله فرجه است .

جواب از سؤال اول

بسم الله الرحمن الرحیم - بلی صحیح است و سئوالیکه از بقاء حکم بر تقدیر رفع امتیاز شده جواب اینست که بر تقدیر رفع از اینجهت منعی ندارد والله العالم حرره الاحقر محمدحسن الحسینی .

دستخط ناصر الدین شاه

جناب امین السلطان - امتیاز دخانیات داخله که چند روز قبل موقوف شده بود این روزها که امتیاز خارجه را هم موقوف فرمودیم و کلیه اینعمل بطرز سابق شد حالا بتمام علماء و حکام و مردم اطلاع بدهید که مطمئن باشند و بتمام رعایا حالی نمایند . (۱۳۰۹)

ایضاً صورت دستخط ناصر الدین شاه

شرح سرپا کت - جناب امین السلطان و نایب السلطنه ملاحظه کرده فوراً مجری دارید لازمست نایب السلطنه و جناب امین السلطان و سایر وزراء محترم دولت این یادداشت ما را ملاحظه کرده برای تجار معتبر و غیره و نجار معبر تنباکو فروش قرائت نمایند .

حکمی که پادشاه و دولت میکنند او را خود دولت لازم الاجراء میداند و هر حکمی که میکند چه در داخله و چه در خارجه از روی خدعه و اشتباه نخواهد بود يك وقتی مقتضی شد عمل دخانیات را بکمپانی انگلیس بدهند و دادند چندی بعد مقتضی شد که آن امتیاز را از کمپانی بگیرند و گرفتند اعلان دولتی هم نوشته و بهمه جا انتشار داده شد که این عمل از کمپانی گرفته شده است علاوه بر این خود کمپانی انگلیس هم اعلان نوشت که دولت ایران این امتیاز را پس گرفت و کف ید از من شد هر کس در طهران یا ولایات دیگر تنباکوئی بمن فروخته است بیاید پول خود را بدهد و تنباکو را پس بگیرد و بهمه معابر چسبانیده و همه مردم را مطلع و مستحضر کرد که این امتیاز از من خلع شده است باوجود این همه توضیحات و اسناد و احکامی که صادر شد در نسخ و ابطال این قرارنامه‌های دخانیات با کمپانی کمال تعجب را دارم از اینکه باز میشنویم در میان مردم و تجار و غیر ذلک اشتباهی در این فقره حاصلست که رفع دخانیات نشده و اگر شده باشد موقتی است اولاً معلومست که این انتشارات را اشخاص مفسد رذل که بدخواه دولت و ملت هستند میدهند و این اراجیف را شهرت داده‌اند البته هیچ شخص عاقل دولتخواهی نباید باین حرفهای بی معنی و اقوال مجعول اعتنائی بکند بلکه بر همه اعالی و ادانی و بر همه نوکرها و رعیت‌های دولتخواه صادق صمیمی لازم و واجبست که بعد از این از هر شخص مفسد مغرض که این حرفها را بشنوند یا اعلانی بنویسند و نصب نمایند و او را ببینند گرفته بحکومت تسلیم نمایند که آنها را تنبیه شایسته نمایند چرا که این نوع شهرت‌های بی معنی مفسده‌انگیز باعث ناامنی تجار و کسبه و رعایا بر تمام اهالی مملکت و اهل طرق و شوارع شده و کسب و تجارت از میان خواهد افتاد و آنوقت دولت لابد میشود که برای نظم امور جمهور تشددات فوق العاده بظهور برساند و خود شخص رئیس دخانیات البته نمی‌تواند بعد از موقوفی مجدداً دخیل امور دخانبه بشود بقای این شخص رئیس دخانیات عیالاً در طهران برای اینست که محاسباتی که با مردم دارد مفروق و ادعای مخارجی که در این امور کرده و با دولت دارد قرارش را داده و کار خود را تمام کرده راهش را بگیرد از این دولت برود و اینهم البته يك دو ماهی طول دارد که کارش تمام شده آنوقت برود از آنطرف رئیس تنباکو در تمام شهرها و بلاد ایران مأمور و علمه‌جاتی که برای انجام اینکار داشت چه از فرنگی و چه از ایرانی تماماً را متفرق و احضار و جواب داد چنانچه يك نفر در دولت و بلاد ایران از این اشخاص نیست و اگر در جایی باشد و کسی مطلع است بعرض رساند تا دولت او را خارج نماید و باز هم تکرار میکنیم که اینکار بالمره خارجاً و داخلماً متروک و موقوف شده دائمیست و ابداً موقتی نیست و این امتیاز را بعد از این دولت باحدی از تجار خارجه و داخله نخواهد داد تمام آسوده و مطمئن باشند (صحفه همایونی و دستخط)

تمام این یادداشت بحکم و فرمایش ما است که در این نوره نوشته‌اند و سوادى از این فرمایشات را ملك التجار برداشته بهمه جا منتشر نماید (توشقان ٹیل ۱۳۰۹)

تعجب در اینست که بعد از اعلان جرا آنهایی که بکمپانی تنباکو فروخته نمیروند پول داده تنباکوی خود را پس بگیرند.



## صورت اعلانی که از جانب رئیس دخانیات

### در باب فسخ امتیاز شده است

**اعلان** - چون دولت اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه منویول وانحصار دخانیات را کلیتاً ارداخله وخارجه موقوف فرمودند و بمن رسماً نوشتند لهذا بعموم بجا ریکه باداره (رری) نباکو وتوبون فروجه اند اعلان میسایم هر کس بخواهد نباکو و توبون خود را پس بگرد باداره دخانیات رفته وقیمنی را که برای آن دریافت نموده رد کند وجنس خود را بحویل بگیرد (ارتسین).

### مکتوب امین السلطان بحضرت حجة الاسلام مرحوم میرزای آشتیانی

عرض میشود جناب حاج ملک التجار فرمایشات جناب مستطاب عالی را کاملاً رساندند مایه کمال امان شد و یقین دارم که هر ایض اخلاص کیش را هم تماماً و صحیحاً رسانده است و خاطر عالی را مسحور داشته است لازم دانستم که این مختصر را هم تحریراً مصدع خاطر عالی شوم که خاطر جناب مستطاب عالی از این طرف خاصه بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه روحی فداه و از ارادت و اخلاص این بنده از حالا تا هر وقت بلکه بعون الله تعالی مادام العمر مطمئن باشید که بهیچوجه خللی و نقصی در آن حاصل نخواهد شد مشروط بر اینکه جناب مستطاب عالی هم بجهت مفسدین و ارباب فرض اعناء فرمائید و هر وقت هر چه عرض شود از این بنده اسفسار فرمائید تا حقیقت معلوم شود زیاده عرضی ندارم (ایام افادت مستدام)

### جواب مکتوب مزبور

عرض میشود جناب ملک التجار همان قسمیکه فرمایشات جناب عالی را کاملاً ابلاغ نموده قاطع هستم که هر ایض داعی را هم تماماً و کاملاً بعرض رسانیده است اگر چه بهمان بیانات ایشان کمال استظهار و اطمینان حاصل گشته بود تا بیاً هم که رفته شریقه جناب عالی را رساندند بر مراب استظهار و اطمینان داعی افزود و محض رعایت ادب لازم دادم که کتابة در مقام تصدیق بر آمده و این فقره را بعرض رسانید که بصاحب سربعت مقدسه قسم است این داعی دوام دولت ابد مدت قاهره هیچوقت از دعای نقای ذات اقدس ملوکانه غفلت نموده و نخواهد نمود بلکه دعای آ نوحود مبارک را بر خود و بر قاطبه اهل اسلام خاصه سلسله حلینه علماء واجب میداند از شخص محترم جناب عالی هم از هر جهت همه وقت کمال امان را داشته و دارم و مخصوصاً جناب عالی را ارغالب و ررای سابق و لاحق نیک نفس بر و خوس اع ماد برمدانم و یقین دارم که بهیچوجه من الوحوه ارهیج باب از حد دولت و ملک جسم نخواهید بوسید حتی جناب ملک التجار کفتم از روی انصاف و قبیکه اسان ملاحظه نمایند برای این منصب حلیل حال هیچ شخص عاقلی از جناب عالی تعدی نخواهد نمود و همانطوریکه جناب عالی امر فرموده اند که اعصاب مسهات ارباب غرض سود داعی هم خواهس و اسدعا میکند که جناب عالی هر وقت چیزی بسویید بوسیله خود جناب ملک التجار که معمد ح ابعالست و داعی هم و یوق و اعصاب دارد بیعام فرمائید باهورا رقع

شبهه شود ائمه جماعت هم که در این دوروزه بمسجد برفته بودند فوراً بهم اطلاع داد که منبر رفته و خود مسعود اعنحضرت همایونی ایستادند جیش و آند عیشه را دعای کس با بانان کافیه حنا ملک التجار داده بر این تصدیق و جواز است . انام افادت مستدام

## صورت مکتوب امین السلطان بحضرت مستطاب

### میرزای آشتیانی اعلی الله مقامه

عرض میشود امیدوارم انشاءالله تعالی و خود مسعود ع  
باعریضه ، لکراقی حنا مستطاب حجة الاسلام مراد مظله العالم



### مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی

کندرانده از این نوع اظهار دعا کوئی حنا معطره الیه خاطر مهر مطاهر خیلی خرسند و خوشنود شدند وهم اراقدامان حنا عالی حاضر همایون را سی شدند بدین است مرا ب را حنا با ند وسابد

خاطر نشان ایشان فرموده اند و رفع اشکالات شده است جواب تلگراف جناب آقای میرزا راهم صادر و مرحمت فرموده اند لافاً ارسال داشت که بملاحظه شریف جناب مستطاب عالی هم برسد و بعد بتلگرافخانه ارسال فرمایند که تلگراف شود و چون از تلگراف خود جناب عالی هم اظهار لطف درباره ارادت کیش فرموده اند خواهش دارم امتنان و تشکر بنده را بنحویکه شاید و باید خدمتشان مرقوم فرمائید (ایام افادت و افاقت مستدام)

## اول تلگرافیکه مرحوم آیه الله حجة الاسلام

حاج میرزا محمد حسن شیرازی اعلی الله مقامه

باعلی حضرت ناصر الدین شاه مخبره نموده

بسم الله الرحمن الرحيم - بتوسط حضرت اسعد مجد ارفع والا شاهزاده اعظم نایب السلطنه دام اقباله عالی بشفرف عرض حضور اعلی حضرت اقدس شاهنشاه خلد الله ملکه میرساند - اگرچه دعا گوتا کنون بمحض دعا گوئی اکتفا نموده تصدی استدعائی از حضور انور نکرده ولی نظر بتواصل اخبار بوقوع دقایقی چند که توانی از عرض مفاسد آنها خلاف رعایت حقوق دین و دولتست عرضه میدارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها بامسلمین و اجرای عمل بانك و تنبا کو و راه آهن و غیره از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مغل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است واقعه شیراز از قتل و جرح جماعتی از مسلمانان در حمای مطهر حضرت احمد بن موسی علیهما السلام و هتک آن بقعه مبارکه و تبعید جناب شریعت مآب حاج سید علی اکبر (۱) سلمه الله بوضع ناشایسته نمونه از نتایج این امور است البته مفاسد این امور از عرض حضور اقدس نگذشته و الا از فرط اهتمام خاطر همایون در ترقیات ملت و دولت رضا با اجرای این امور مترقب و مأمول نبوده دعا گو هیچ در مقام دولت خواهی هم رضا نمیدهد که بعد از استمرار نعمت خداوند جلّت عظمته باعلی حضرت شهر یاری عز نصره و بقوت شوکت و دوام سلطنت این امور که مفاسد آنها در اعصار لاحقه دامنگیر دین و دولت و رعیت است در این عهد همایون جاری شده نام نیک چند ساله دولت خدای نخواستہ بخلاف مذکور شود رجاء واثق از مراحم ملوکانه آنکه اگر اولیای دولت در این امور ترخیصی فرموده اند باتفاق کلمه ملت معتذر شده این مفاسد را باحسن وجه تدارک و جناب معظم را که تا کنون پناهنده ناحیه مقدسه است بتلافی این وهن مورد عواطف خسروانه فرمایند تا سبب مزید دعا گوئی و امیدواری کافه علماء و رعایا گردد الامر الاقدس الاعلی مطاع .

## تلگراف ثانی حضرت آیه الله میرزای شیرازی

بمحض حضور اعلی حضرت ناصر الدین شاه

بشفرف عرض حضور اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه میرساند سابقاً دعا گو عریضه تلگرافاً در باب مفاسد مداخله خارجه در داخله مملکت ایران بحضور مبارک عرض نموده بود جوابی (۱) مراد آقا سید علی اکبر قان اسپری است که او را از فارس نفی و بعتبات تبعید نمودند .

از جانب اولیاء دولت قویشوکت نقل نمودند که کاشف بود از آنکه بمفاسد اجرای این امور حق التفات فرمودند و چون انماض از آن منافی رعایت حقوق اسلام بود لهذا ثانیاً بعرض حضور مبارک میرساند که مفاسد انفاذ این امور براتب اعظم از مفاسد صرف نظر از آنها است کدام مفسده با اختلال قوانین ملت وعدم استقلال سلطنت و تفرق کلیه رعیت ویأس آنها از مراحم ملوکانه برابری میکند چگونه میشود که باوجود اینکه در قرون متداوله اولیای دین مبین و سلاطین مسلمین شکر الله مساعیهم آنها را اتلاف نفوس و بذل اموال خطیره در اعلاى کلمه اسلام فرمایند امروزه باندک فایده با ترقب ترتیب مفسده از تمام انماض نموده و کفره را بر وجوه معایش و تجارات آنها مسلط کرد تا بالاخره اضطراب با آنها مخالطه و مواده کنند و بخوف یا رغبت ذلت نوکری آنها را اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقاید شان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران بکفر قدیم خود برگردند البته شدت واضطراب و وحشت رعیت واستنکاف علماء اعلام را در انفاذ این امور بعرض حضور مبارک نرسانیدند و بردولت اغفال نمودند زیرا که این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد هر چند منجر باتلاف نفوس شود و الا از حزم خسروانه مأمول نبود رضا دهند رعیت که فی الحقیقه خزانه عامره دولتند بالمره از وجوه تجارت و مکاسب خود مسلوب الاختیار و مقهور کفار باشند بدیهیست اولیای دولت قویشوکت را از اجرای این امور جز ترقی دولت مقصدی در نظر نیست بهتر آن بود که این رنج را در تربیت اتباع دولت قویشوکت متحمل شوند که هم سبب جمعیت قلوب رعیت و امیدواری آنها گردد و هم منافی با قوانین ملت و استقلال دولت نباشد مأمول از عنایات ملوکانه چنانست که عرایض صادقانه دعا گو را باتأمل ملحوظ نظر انور و در جمع قلوب رعیت بذل مرحمت فرماید تا بکمال امیدواری و شکر گذاری مشغول دعا گوئی دوام دولت جاوید مدت باشند۔ الامر الاقدس الاعلی مطاع۔ تاریخ وصول این تلگراف چهارم شهر رجب (۱۳۰۹)

## تلگراف آقایان علماء طهران حضور حضرت آیه الله

### میرزای شیرازی اعلی الله مقامه

خدمت سراسر سعادت بندگان جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمد حسن دام ظلله العالی - امتیاز و اختصاصی که در مسئله دخانیات از جانب اولیای دولت ایران بفرنگیها داده شده بود بحکم اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه از کل ممالک محروسه ایران برداشته شد و کل اهالی ایران از زارع و کسبه و تجار و مالکین تنباکو و تنباکو فروشها و غیره از امروز بیعد آسوده و مختارند که تنباکو و توتون و عموماً اجناس عایده دخانیه خودشانرا بهر کس و بهر قیمت و هر نحو که دلخواه آنها است بیع و شری در ممالک محروسه ایران و بدون استثناء بنمایند لهذا لازم شد که تفصیل را بعرض حضور جناب مستطاب عالی برسانیم که چون بنا بر احترام تلگراف جناب عالی و بعضی مذاکرات منسوبه بجناب عالی اعلی حضرت اقدس شهریاری ماها را خواسته تحقیقات فرمودند که آیا این شهرت حکم منسوب بجناب عالی صحیح است یا خیر، بمحض اینکه عرض شد صحیح است فوراً

جناب امین‌السلطان را مأمور فرمودند با دستور العملهای مؤکده و زحمات زیاد اینعمل را موقوف و انحصار را برداشته خوبست که جناب مستطاب عالی در اینموقع تشکر این توجیه ملوکانه را تلگرافاً بعرض حضور همایونی برسانید امضاء (محمدحسن آشتیانی) (سیدعلی اکبر تفرشی) (محمد رضا طباطبائی) (فضل‌الله نوری) (امام جمعه) ۱۶ جمادی‌الاولی (۱۳۰۹)

## جواب تلگراف آقایان از میرزای شیرازی

خدمت آقایان عظام دارالخلافة ضاعف‌الله اقدامهم - بشارت رفع دخانیة موجب‌مزید تشکر و امیدواری و دعا گوئی ذات اقدس همایون اعلی‌حضرت شاهنشاه خلدالله ملکه گردید انشاءالله بهمت عاطفت ملوکانه دست خارجه بالمره از ایران کوتاه خواهد شد . (محمدحسن‌الحسینی)

تاریخ وصول تلگراف ۳۰ شهر جمادی‌الاولی (۱۳۰۹) .

## تلگراف حضرت مستطاب میرزای آشتیانی

### بحضرت آية الله ميرزای شیرازی اعلى الله مقامهما

بعرض بندگان حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاج میرزا محمد حسن دام ظلله میرساند عریضه تلگرافی شما تشکر از مراحم ملوکانه در باب رفع امتیاز که بتوسط دعا گو بحضور مبارک بندگان اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاه ججاه اسلام پناه ظل‌الله تعالی خلدالله ملکه و دولته و ادام الله ظلله‌العالی عرض شده بود بما کفان حضور مبارک به توسط حضرت مستطاب اسعد اشرف اجل افخم وزیر اعظم آقای امین‌السلطان دام اجلاله رسانده جواب را بتوسط ایشان تحصیل کرده مخابره نمودم معلومست همواره در دعا گوئی وجود مبارک بندگان اعلی‌حضرت اقدس ظل‌الله خلدالله ملکه که سبب قوام دین و دولت است اهتمام داشته و دارند که سایر علماء اعلام فضلاً از رعیت و عوام اقتدا نمایند و حضرت مستطاب اجل وزیر اعظم دام اجلاله کمال مسرت و اطمینان امتنانرا از تفقدات حضرت عالی از تلگرافاتی که بدعا گو شده و از نظر ایشان گذشته دارند و مستدعی هستم که درمضان اجابت دعا از نظر حضرت عالی نروند (الداعی المخلص محمد حسن الآشتیانی)

## تلگراف حضرت آية الله ميرزای شیرازی

### بجناب حجة الاسلام ميرزای آشتیانی اعلى الله مقامهما

بسم‌الله الرحمن الرحيم - خدمت جناب مستطاب شریعتمدار افتخارالمجتهدین العظام حجة الاسلام آقای میرزا محمد حسن سلمه‌الله تم - تلگراف جناب عالی در باب رفع امتیاز دخانیة و اعلان برترخیص استعمال بموجب نوشته احقر رسید البته آنچه صلاح دانسته‌اید عین صوابست و من بعد هم منعی از استعمال چنانچه اعلام فرموده‌اید نیست و الحق از مراحم ملوکانه که مایه قوام دین و دولت بود کمال امتنان و شکر گذاری دارم تلگراف تشکری بحضور مبارک عرض کرده‌ام که انشاءالله بمرحمت جناب

عالی خواهد رسید و از حسن اقدامات و اهتمامات جناب مستطاب اجل آقای امین السلطان دام اقباله العالی هم جناب عالی اظهار کمال امتنان احقر را خواهد فرمود عریضه هم بحضور مبارک بسا جواب رقیبه جناب اجل زیداجلاله بصحابت جناب مستطاب عمده الفضلاء و المحترمین حاج میرزا باقر واعظ ایدالله افاداته که برای اظهار شکر این نعمت بطهران معاودت نموده انشاءالله خواهد رسید .  
(الاحقر محمد حسن الحسینی)

## تلگراف تشکر حضرت آیه الله میرزای شیرازی

### بمحضور اعلی حضرت ناصرالدین شاه

بسم الله الرحمن الرحيم - بتوسط جناب مستطاب شریعتمدار افتخارالمجتهدین العظام حجة الاسلام آقا میرزا محمدحسن سلمه الله تعالی - بشرف عرض حضور اعلی حضرت اقدس شاهنشاه خلدالله ملکه میرساند . بشارت دفع اختصاص دخانیه بر حسب تلگرافات علماء اعلام دارالخلافه کثیرالله امثالهم موجب کمال شکر گذاری و امیدواری و سبب مزید دعا گوئی گردیده ، بر اهالی مملکت لازمست بمرزبانان شاهنشاه اسلام پناه اعز الله نصره مباهات نمایند که با کمال استقلال و نهایت مطاوعت رعیت همین که محقق شد که این اختصاص منافی ملت و بر عموم رعیت شاقست معض اعلاء کلمه ملت و رفاه عموم رعیت صرف توجه ملوکانه و همت خسروانه فرموده باستمداد از میانم الطاف امام زمان عجل الله ارواحنا فداه بالمره رفع همه مفاسد مترقبه را فرموده اند و این سنت عادلانه را که واقعاً موجب حفظ دین و دولت و مایه احیاء مساعی جمیله سلاطین سلف شکرالله مساعیهم و سرمشق ملوک اعصار لاحقه در نشر عدل و ترفیه حال رعیت و محافظت حدود دولت و ملت و بسط بساط امن و امان بود اجراء فرموده اند تا دلایل فرط معدلت و رعیت پروری شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه باشد و این معنی سبب مزید تشکر کافه علماء و عموم رعایا گردید همواره از حضرت احدیت عز اسمه خواستارم که نعمت وجود سلطان عادل و پادشاه دین پرور را مستمر فرماید و ظل عواطف ملوکانه را بر مقارق مسلمین جاوید و پاینده دارد .

(الاحقر محمد حسن الحسینی)

تاریخ وصول تلگراف شهر رجب المرجب (۱۳۰۹)

## جواب تلگراف مزبور از طرف اعلی حضرت

### ناصرالدین شاه قاجار

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج میرزا محمدحسن شیرازی سلمه الله تعالی - تلگرافنامه آنجناب متضمن تحسین الغناء عمل تنباکو و شکر نسخ قراردادیکه موجب بعضی توهمات و شکایتها شده بود ملحوظ اقتاد نیت یاک آنجناب در اصلاح اسلام و مسلمین و خیر دولت و دین معلوم است البته از نظر حق آنجناب پوشیده نیست که حفظ صرفه و آسایش رعیت را فریضه ذمت خود شمرده و هرگز از این وظیفه اصلی غافل نمانده ایم ، دعوات خیریه و توجهات مقدسه آنجناب را منتظریم در هر مرحله بنیات ما مدد کند و آنچه مایه سعادت و سلامت این ملت است بخواست خدا تکمیل نمائیم

و انشاءالله بهمت آنجناب مستطاب واهتمام علماء اعلام اساس دین مبین محکم و این اخلاق و معارف که مزیت مسلمین در این است ترویج شود تا بعون و عنایت پاریتمالی بتوانیم تکلیف واجب خود را ادا کنیم . باز از آنجناب التماس دعا داریم .

## تلگراف حضرت آیه الله میرزای شیرازی

### بحضرت آیه الله میرزای آشتیانی

بسم الله الرحمن الرحيم - خدمت سرکار شریعتمدار مجتهد الزمان ملاذالانام حجة الاسلام آقا میرزا محمدحسن سلمه الله تعالی . سابقاً تلگرافی در امر دخانیات و تعلیق اذن بر وصول خط شریف عرض شده ولی فعلاً محرمانه مینویسم که در اصلاح این امر ، حال که اولیای دولت قاهره اقدام دارند باید جناب عالی بر مکتون خیالات ایشان مطلع باشید و از کیفیت علاجی که در این باب متصدی میشود مستحضر شوید که مؤدی بفساد دیگری نباشد که در علاج او باز گرفتاری جدید برای دین و دولت دست بدهد و البته عین آن سندیکه دولت بفرنگی داده اند مسترد خواهند داشت که دیگر اجانب ابدی در مملکت ایران نداشته باشند و یکسره مقطوع الرجاء بشوند و باید از جانب دولت اطمینان کاملی بر عیت داده شود و فرمانی مستحکم در رفع ابدی این امر و مختاریت رعیت صادر شود که بریغ و شرای دخانیات در داخله و حمل بخارجه مسلط و مختار باشند و از هر جهت قلوب رعیت از وحشت و اضطراب بیسایند و از وخامت عاقبت اینکار مأمن شوند و با رفاهیت و آسایش مشغول دعا گوئی و شکر گذاری ذات همایون شاهنشاه اسلامیان پناه اعز الله نصرته باشند و تا تفصیل مطلب بهمین وجه بر خود احقر بتصریح جناب عالی معلوم نشود اذن نمیتوانم داد و حکم بحرمت مستمر است و خوبست همین مطلب را بجناب مستطاب اجل آقای امین السلطان دام اقباله العالی در موقع مناسب مذاکره نموده مسئله را موافق صلاح دین و دولت فیصل بفرمائید (محمدحسن الحسینی) تاریخ وصول تلگراف ( ۴ شهر رجب ۱۳۰۹ ) .

## صورت تلگراف امین السلطان

### به حکام ولایات ایران

بحکام ولایات عموماً بر حسب امر قدر قدرت اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه ابلاغ میشود . بنا بر رحمت و رأفت همایون شاهنشاهی نسبت بعموم ممالک محروسه ایران بعد از آنکه معلوم شد که عمل انحصار تنباکو و منویل آن بر عموم اهالی قدری شاق است و از خاکپای اقدس همایونی مستدعی معافی و موقوفی آن شدند برای آسایش خاطر عموم اهالی و رعایا و تکمیل مزید دعا گوئی وجود مبارک این انحصار و منویل در تمام ممالک محروسه ایران از امروز متروک و موقوف فرمودند و ضرر و خسارت کمپانیرا از ممر دیگر معین و مقرر خواهند فرمود که بمرور بکمیانی پرداخته خواهد شد از تاریخ این تلگراف بدانید و بعموم اهالی و علماء و اعیان و تجار و غیرهم اطلاع بدهید تنباکو و تن و عموم اجناس دخانیه خودشانرا بپهر کس و بپهر قیمت و بپهر نحو که میل

دارند بیع و شری نمایند بمأمورین و کسان اداره دخانیه اگرچه رئیس آنها یقیناً اطلاع داده است شما هم اطلاع بدهید که حکم از اینتراد است و ضمناً بموجب امر همایونی روحنا فداه تأکید میشود مبدا نسبت بمأمورین آنها خلاف قاعده و خلاف احترامی حرکت بشود که موجب تنبیه و سیاست شدیدی خواهد شد . مردم هم خودشانرا از این زحمت آسوده دانند و بدعا گوئی وجود مسعود همایونی و شکر گذاری مراحم کامله همایون خسروانه بیفزایند و بعضی حرکات جاهلانه را بکلی موقوف نمایند و عرایض تشکرانه علماء اعلام را بظاکیای مبارک برسانند .

( ۱۶ ) جمادی الاولی ۱۳۰۹ ( امین السلطان )

## تلگراف حاج حسن و کیل الدوله کرمانشاهی

### بتوسط حاج عبدالرحیم

حضور مبارک بنندگان حجة الاسلام آقای میرزا روحی فداه جسارت عرض مینماید . علماء دارالخلافه سه طغرا تلگراف بحضور مبارک عرض کرده و بتوسط جناب آقای ملکالتجار دارالخلافه که از اجلاء اشخاص و دوستان فدویست استدعای بدل مرحمت و عنایت در صدور جواب کرده اند مستدعی آنکه از مرحمت جواب ، جناب معزی الیه وفدوی را قرین سر افرازی و افتخار فرمائید .  
( فدوی - حسن )

## تلگراف آقامیرزا حسن آشتیانی

### بحضرت آیه الله میرزای شیرازی

کرمانشاهان - بغداد - بتوسط حاج عبدالرحیم و کیل الدوله . خدمت ملاذ الانام حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلین آقای حاج میرزا محمد حسن دام عمره ومد ظلّه - عرضه می دارد که امتیاز دخانیات از داخله ایران و خارجه آن بکلی بهمت ملوکانه خسروانه و تدبیرات کافیه از جانب سنو الجوانب اعلی حضرت اقدس شاهنشاه اسلام پناه خلد الله ملکه ودولته بتوسط حضرت مستطاب اجل اشرف وزیر اعظم آقای امین السلطان دام اجلاله و کفایت ایشان از بابت آسودگی عامه رعایا و احترام حکم شرع که منسوب بحضرت عالی شده در باب منع از استعمال تنباکو و توتون رفع شده هر چند سابق بر این هم مطلب عرض شده بود چون سر بسته بود و فی الجمله اجالی داشت لهذا مجدداً حاجت بعرض شد که صریحاً اذن کشیدن غلیان و غیره را داده و ضمناً اظهار دعا گوئی از این مرحمت ملوکانه فرمائید و خدمت حضرت اجل را هم در ملت و دوات منظور داشته باشید .

( الداعی المخلص - حسن آشتیانی )

## تلگراف آقا سید علی اکبر تفرشی

کرمانشاهان - بغداد - بتوسط حاج عبدالرحیم و کیل الدوله . بشرف عرض حجة الاسلام آقای حاج میرزا محمد حسن ادام الله افاضته میرساند که آنچه جناب شریعتمدار ملاذ الاسلام بعرض



رسانیده اند مطابق واقع میباشد انشاء الله مرحمت فرموده تجویز شرب تنن و تشکر از مراحم ملوکانه خدیوانه خواهند فرمود .  
( خادم شریعت مطهره - علی اکبر حسینی تفرشی )

## راف آقا شیخ فضل الله

کرمانشاهان - بغداد - بتوسط حاج عبدالرحیم - خدمت حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین ادام الله تعالی ظلّه - عرض میشود که چون سابقاً بحسب حکمی که از جناب مستطاب عالی سمت انتشار یندیرفت در نهی استعمال دخانیات بمجرد استماع ، عامه مسلمین اطاعت نمودند و بکلی ترک کردند و فعلاً نیز متروکست از آنجا که ذات اقدس همایون اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه دین پناه ابدالله شوکته همواره بقبعت قواعد دین مبین کمال اهتمام و بذل جهد میفرمایند بتوسط حضرت مستطاب اجل اشرف وزیر اعظم آقای امین السلطان و کفایت ایشان استدعای حضرت عالی و رعایت رعایای ممالک محروسه ایران رافت و مرحمت فرمودند امتیاز انحصاریکه بخارجیه مرحمت شده بود موقوف و ید خارجیه را از تصرفات دخانیات ایران در داخله و خارجیه کوتاه و مسلوب الاختیار فرمودند و حسب الامر اقدس اعلانات شافی بعموم رعایا شد که با کمال امیدواری بمراحم ملوکانه بدعا گوئی و کسب تجارت خود کما فی السابق من غیر تفاوت باشند و سابقاً بنحو اختصار تلگرافی دایر بتشکرات عرض شده بود چون فعلاً رفع مانع بکلی شده وبالمره امتیاز را برداشته امر بعد خود کما فی السابق رسید مستتمی از حضرت عالی آنکه بعبارت صریح واضح بعد از تشکر از مراحم ملوکانه اجازه بفرمائید که خلق مشغول استعمال دخانیات کما فی السابق باشند و از مکاسب خود باز نمانند و مشغول بدعا گوئی سلامت ذات اقدس همایون شاهنشاه دین پناه متع الله المسلمین بطول بقاء دولته باشند و این عرایض صادقانه از احقر فضل الله نوری است ینشان و علامت تفویض و کالت مطلقه در امر مرحوم حاج محمد علی اصفهانی شهیر بتاجر شاهرودی . فوراً جواب لازمست سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته  
( شیخ فضل الله نوری )

## تلگراف آقا سید محمد رضا طباطبائی

کرمانشاه - بغداد - بتوسط جناب وکیل الدوله دام مجده - خدمت جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمد حسن ادام الله ظلّه عرضه می دارد . مسئله انحصار دخانیات همان قسم است که آقایان عظام سلمهم الله مشروحاً معروض داشته اند فی الحقیقه بندگان اقدس همایونی خلد الله ملکه وسلطنته در آن مرحمت تمامی بعموم ملت ایران تفضل فرموده و کایه این فقره صورت قدیم شد و حضرت اجل اشرف وزیر اعظم آقای امین السلطان دام اجلاله لازمه جد\* و جهد را در رفع اینکار بعمل آوردند اکنون استدعای همه آنست که معجلاً اجازه استعمال تنباکو و تنن را مرحمت فرمائید که در تأخیر اجازه خدا نخواستہ فسادی مترتب نشود با احتمال اینکه جناب آقای آقا سید محمد اخوی بسمت کربلا مشرف شده باشند مستقیماً جسارت شد .  
( اقل خدام اهل علم - سید محمد رضا )